

بررسی معنایی تکرار در زبان فارسی

دکتر محمد راسخ‌مهند *

چکیده

در این مقاله ویژگیهای معنایی فرایند تکرار [reduplication] از حیث رده‌شناختی در فارسی بررسی شده است. ابتدا به بررسی تکرار در مقولات اسم، صفت، قید و فعل در فارسی پرداخته‌ایم و به این نتیجه رسیده‌ایم که تقریباً در نیمی از ساختهای تکرار تغییر مقوله صورت می‌پذیرد. آن‌گاه بر اساس دیدگاه موراوچیک (۱۹۷۸)، ژویه (۱۹۹۸) و کاجیتانی (۲۰۰۵) معنای تکرار را در چهار طبقه افزایش کمیت، کاهش کمیت، افزایش شدت و کاهش شدت بررسی کرده‌ایم. این معانی در واقع تغییری است که تکرار در معنای پایه ایجاد می‌کند. در پایان، تطابق داده‌های زبان فارسی با برخی تعمیم‌های رده‌شناختی در رابطه با معنی تکرار را نشان داده‌ایم.

مقدمه

تکرار فرایندی است که بخشی از واژه پایه یا کل آن را تکرار کرده و به پایه متصل می‌کند. به جای اصطلاح تکرار در فارسی از دوگان‌سازی یا اتباع نیز استفاده شده است. تکرار می‌تواند پیش‌تکرار [pre-reduplication] یا پس‌تکرار [post-reduplication] باشد (هسپلمات ۲۰۰۲: ۲۴). اگر بخش تکرار شده به قبل از پایه اضافه شود، پیش‌تکرار است (مانند دک و دهن)، و اگر به

* دانشگاه بوعلی‌سینا

بعد از پایه اضافه شود، پس تکرار است (مانند کتاب‌متاب). فرایند تکرار را از حیث ساخت آوایی و صرفی آن بررسی کرده‌اند. مانند اینکه کدام واژه، همخوان یا هجا تکرار می‌شود و یا اینکه آیا بخش تکرار شده واژه یا بخشی از آن است (موراوچیک ۱۹۷۸). تکرار را از حیث ساخت به دو نوع کامل و ناقص تقسیم کرده‌اند. در تکرار کامل یک سازه (واژه یا گروه نحوی) تکرار می‌شود، مانند راه راه، جویده جویده، بزبز، شلپ شلپ. اما در تکرار ناقص قسمتی از کلمه پایه تکرار می‌شود مانند مزمزه، پت‌وپپهن، شروشور، تپل‌میل، قلمبه‌سلمبه، پرت‌ویلا. شقاقی (۱۳۷۹) انواع تکرار در فارسی را از حیث کامل و ناقص بودن بررسی کرده و آنها را دسته‌بندی کرده است. طباطبایی (۱۳۸۴) نیز ساخت تکرار یا اتباع را از حیث ساخت واژگانی آن بررسی کرده است. ذاکری (۱۳۸۱) نیز به بررسی اتباع در فارسی پرداخته است اما دسته‌بندیها و تعاریف وی از اتباع منطبق بر نظریه زبان‌شناختی مشخصی نیست و در برخی موارد مفاهیمی را با همدیگر خلط کرده است. مثلاً وی کلماتی مانند زادوولد، دروغ‌ودغل، پوک‌وپوچ، و سفت‌وسخت را نیز که حاصل ترکیب اجزای معنی‌دار هستند، در طبقه اتباع قرار داده است (ص ۱۳). وی در مورد معنای اتباع آورده است که «غرض از اتباع عمدتاً یکی از امور زیر است: الف) افاده معنی تکرار یا تعدد برای تفهیم مطلب و اصرار بر آن، ب) آوردن لواحق و ضمائیم به آن، ج) افاده معنی کمال و تمامیت یا اطلاق و عدم قید و شرط برای محکم‌کاری، د) افاده معنی شدت و سختی یا حداکثر و حداعلای چیزی، ه) افاده معنی زیاد بودن و فراوانی یا تداوم، و) افاده معنی نامطلوب بودن، ز) افاده گونه‌گونی و تنوع و توزیع (همان: ۶۵ و ۶۶). ذاکری برای این موارد توضیحی نمی‌دهد و به جز دو سه مورد مثالی هم ارائه نمی‌کند.

این مقاله به بررسی ویژگیهای معنایی ساخت تکرار در فارسی اختصاص دارد. در مورد ویژگیهای معنایی این ساخت در فارسی بحث مشخصی صورت نگرفته است. شقاقی (۱۳۷۹): ۵۲۵) عنوان می‌کند که ساخت تکرار در فارسی برای مفاهیمی همچون تأکید، شدت، افزایش، تداوم، انبوهی، بی‌شماری و جنس و قسم به کار می‌رود. طباطبایی (۱۳۸۴) اشاره‌ای به ویژگیهای معنایی تکرار نمی‌کند. تنها سادات تهرانی (۲۰۰۳) به بحث معنایی یک نوع تکرار در فارسی اشاره کرده است که در بخش (۲) آمده است. در این مقاله با استفاده از دیدگاههای موراوچیک (۱۹۷۸)، رژیبه (۱۹۹۸) و کاجیتانی (۲۰۰۵) که به بحث معنایی تکرار پرداخته‌اند، ویژگیهای معنایی این فرایند در فارسی بررسی شده است. در بخش (۱)، سه مقاله مذکور معرفی شده و در بخش (۲) به بررسی معنایی فرایند تکرار در فارسی پرداخته شده است. در بخش (۴) یافته‌های مقاله در زبان فارسی با تعمیم‌های رده‌شناختی که در بخش (۱) آمده است، مقایسه شده‌اند.

۱ بررسی معنایی تکرار در زبانهای مختلف

در این بخش به معرفی سه اثر در زمینه بررسی معنایی تکرار در زبانهای مختلف می‌پردازیم. موراوچیک (۱۹۷۸) به بررسی رده‌شناختی تکرار در زبانهای مختلف از حیث صوری و معنایی پرداخته است. او عنوان می‌کند که تکرار در زبانهای مختلف معانی شبیه به هم دارد (ص ۳۱۶). او دو نکته کلی درباره معنی تکرار عنوان می‌کند. نخست این که معنی ساخت غیر تکراری همیشه زیرمجموعه‌ای از معنی ساخت تکراری است. مثلاً ساخت تکراری کتاب متاب در فارسی شامل معنی کتاب نیز می‌شود. یعنی معنای آن معادل است با کتاب به علاوه چیزی دیگر. نکته دوم این که ساختهای تکراری معنایی‌ای به دست می‌دهند که گاهی اوقات در تقابل با همدیگرند. مثلاً در یک زبان تکرار می‌تواند هم برای نشان دادن افزایش کمیت [augmentation] و هم کاهش کمیت [diminution] به کار رود (همان: ۳۱۷). اگر در معنای تکرار در مقایسه با معنای پایه افزایش تعداد دیده شود، معنای افزایش کمیت به پایه اضافه شده است. مثلاً در فارسی ساخت تکرار دک‌ودهن نسبت به پایه دهن به بیش از یک چیز (دهن) اشاره می‌کند و در واقع در تعداد مصداقها فزونی یافته است، از این رو معنای افزایش کمیت به پایه اضافه شده است. حالت برعکس این مورد کاهش کمیت است. وی عنوان می‌کند که پرسامدترین معنایی که ساختهای تکراری در زبانهای مختلف نشان می‌دهند افزایش کمیت است که می‌تواند شامل افزایش مصداقها یا افزایش تأکید باشد. در مورد افزایش مصداقها، مصداقها می‌توانند شرکت‌کنندگان در عمل یا خود عمل باشند. برای نشان دادن افزایش شرکت‌کنندگان در عمل اسم یا فعل تکرار می‌شوند، اما برای نشان دادن افزایش عمل، فعل تکرار می‌شود (همان: ۳۱۸ و مثالهای مربوطه از زبانهای مختلف). یکی از معنای تکرار، جمع بستن اسم است که در بسیاری از زبانها دیده می‌شود. همچنین موراوچیک مثالهایی می‌آورد که معنای ساخت تکراری افزایش شدت [intensification] و در برخی موارد کاهش شدت [attenuation] است (ص ۳۲۰). معنای افزایش شدت را می‌توان در مقایسه تندتند با پایه تند درک کرد. در ساخت تکرار معنای صفت تند افزایش پیدا کرده و در واقع شدیدتر شده است. معنای کاهش شدت را نیز می‌توان در مقایسه ساخت یواش یواش و پایه یواش متوجه شد که معنای ساخت تکرار در واقع یواشتر از یواش است و نوعی کاهش شدت به پایه اضافه شده است.

رژیه (۱۹۹۸) نیز به بررسی ویژگیهای معنایی تکرار پرداخته است. او اظهار می‌دارد که اگرچه رابطه میان لفظ و معنی در زبان قراردادی است، اما این قاعده استثنائاتی هم دارد که یکی از آنها در ساخت تکرار است. به نظر وی معنای تکرار در زبانهای مختلف به هم نزدیک است و شامل

مفاهیمی چون کوچکی، عدم کنترل، جمع، شدت، بچه‌گانه بودن، محبت، تداوم و تکمیل می‌شود. به نظر وی این مفاهیم نامحدود نیستند و در یک حوزه معنایی قرار می‌گیرند. او معتقد است که این معانی به ظاهر مختلف حاصل تعامل دو اصل تصویرگونگی [iconicity] و بسط معنایی [semantic extension] هستند. از دیدگاه وی رابطه میان ساخت تکرار و معنای بچه‌گانه بودن، جمع و مکرر بودن بر اساس اصل تصویرگونگی قابل پیش‌بینی است و معانی دیگر بر اساس بسط معنایی از این سه معنی اولیه حاصل می‌شود. به عنوان مثال بچه‌گانه بودن از حیث معنایی می‌تواند به کوچک بودن و معنای عاطفی بسط پیدا کند، به همین دلیل در ساختهای تکرار این معانی نیز دیده می‌شود.

کاجیتانی (۲۰۰۵) نیز به بررسی معنی در ساخت تکرار در زبانهای مختلف پرداخته است. او با بهره‌گیری از دیدگاه موراوچیک (۱۹۷۸) و اوسپنسکی (۱۹۷۲) به این مسئله می‌پردازد که در معنای تکرار، افزایش کمیت و افزایش شدت بر کاهش کمیت و کاهش شدت غلبه دارد و دلیل این امر اصل تصویرگونگی است. او با بررسی ساخت تکرار در شانزده زبان به این نتیجه رسیده است اگر در این زبانها کاهش کمیت و شدت را بتوان با ساخت تکرار نشان داد، می‌توان افزایش کمیت و شدت را نیز با همین ساخت نشان داد (کاجیتانی ۲۰۰۵: ۱۰۰). همچنین داده‌های این زبانها نشان می‌دهند اگر در زبانی ساخت تکرار برای نشان دادن افزایش شدت به کار رود، حتماً برای نشان دادن افزایش کمیت هم به کار می‌رود و اگر برای نشان دادن کاهش کمیت به کار رود، برای نشان دادن کاهش شدت هم به کار می‌رود (همان: ۱۰۱ و ۱۰۲).

۲ بررسی معنایی تکرار در فارسی

در این بخش به بررسی معنایی تکرار در فارسی می‌پردازیم. ابتدا در بخش (۱-۲) به این مسئله می‌پردازیم که چه مقولات واژگانی در فارسی می‌توانند تکرار شوند؟ آیا تکرار منحصر به مقولات خاصی است یا شامل همه مقولات می‌شود؟ و در عین حال آیا تکرار باعث تغییر مقوله واژگانی پایه می‌شود یا خیر؟ بخش (۲-۲) را به بررسی معانی مختلف حاصل از تکرار در فارسی اختصاص داده‌ایم.

۱-۲ تکرار در مقوله‌های واژگانی مختلف

در فارسی پایه ساخت تکرار می‌تواند اسم، فعل، صفت و قید باشد. نمونه‌های (۱) تا (۴) مثالی از تکرار در این طبقات واژگانی است. تکرار در طبقه حروف اضافه و سایر طبقات دستوری وجود ندارد.

(۱) تکرار اسم

کتاب‌متاب، راه‌راه، پیچ‌درپیچ، چشم‌وچار، دک‌ودهن، خط‌خطی، اخم‌وتخم، سرتاسر، بادبادک، آس‌ولاش، خاک‌وخل

(۲) تکرار فعل

بشکن‌بشکن، روروک، پل‌وپخت، ندید‌دید، رفت‌که‌رفت، بخور‌بخور

(۳) تکرار صفت

کج‌وکوله، شلوغ‌پلوغ، لختی‌پختی، کت‌وکلفت، تنگ‌تنگ، هول‌هولکی، سُر‌سُر، تق‌ولق، کم‌کم

(۴) تکرار قید

آهسته‌آهسته، لرزان‌لرزان، خوش‌خوشان.

در میان نمونه‌هایی که از ساخت تکرار جمع‌آوری شده، تکرار اسم بیشترین تعداد را دارد و تکرار قید و فعل کمترین هستند. از میان ۱۵۸ مورد ساخت تکرار، تکرار اسم ۹۳ مورد، تکرار صفت ۴۲ مورد، تکرار فعل ۱۶ مورد و تکرار قید ۱۰ مورد بوده‌اند. البته ساختهایی نیز بودند که در گروه نام‌آواها قرار می‌گیرند و نمی‌توان پایه آنها را مشخص کرد که در نمونه‌های جمع‌آوری شده لحاظ نشده‌اند. مثلاً در خش‌خش، بعبع، غرغر، پیچ‌پیچ، خس‌خس، غل‌غل، تاپ‌تاپ، قلب‌قلب و خُرْخُر که نام‌آوا هستند نمی‌توان پایه را تعیین کرد و مقوله خاصی برای آن در نظر گرفت. از این رو در بررسی معنایی تکرار نام‌آواهایی که حاصل این ساخت بوده‌اند لحاظ نشده‌اند.

اما نکته دیگری که در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت، تغییر مقوله پس از فرایند تکرار است. در برخی موارد مقوله پایه و مقوله ساخت تکراری همانند هستند و تغییری صورت نگرفته است، مانند آهسته‌آهسته/آهسته‌آهسته که هر دو قید هستند، دهن/دک و دهن هر دو اسم، پهن/پت‌وپهن هر دو صفت، و رفت/رفت‌که‌رفت که هر دو فعل هستند. در ادامه به بررسی تکرار در چهار طبقه واژگانی مذکور می‌پردازیم.

کمترین نوع تکرار وقتی است که مقوله پایه قید است. چنانکه گفته شد از ۱۵۸ مورد ساخت تکرار، ده مورد تکرار قید است. از میان این ده مورد، نه مورد تکرار کامل و یک مورد تکرار ناقص است (الکی پلکی). در هیچ یک از موارد مذکور مقوله پایه عوض نشده است و همه موارد حاصل از تکرار نیز قید هستند.

از موارد بررسی شده، در ۱۶ مورد فعل یا بن فعل، پایه ساخت تکرار بوده است. از این میان ده مورد تکرار کامل (بزن بزن، کشان کشان، مرد که مرد)، و ۶ مورد تکرار ناقص هستند. از میان موارد تکرار ناقص، ۲ مورد پیش‌تکرار (پل و پخت، نک و نال)، و ۴ مورد پس‌تکرار (بفهمی نفهمی،

ندید بدید، پخته نپخته، ساخت و پاخت) هستند. از ۱۶ مورد مذکور فقط در ۳ مورد مقوله پایه که فعل بوده تغییر نکرده است و این موارد همگی حاصل الگوی زایای فعل+که+فعل در فارسی هستند (مرد که مرد، رفت که رفت) (رک. سادات تهرانی ۲۰۰۳). در ۸ مورد مقوله فعل پس از تکرار به اسم تبدیل شده است (مانند بز بزن)، در ۳ مورد به قید تبدیل شده است (مانند بفهمی نفهمی، رفته رفته) و در ۲ مورد به صفت تبدیل شده است (مانند ندید بدید، پخته نپخته).

در داده‌های مورد بحث ۴۲ ساخت تکرار است که پایه آنها صفت است. از این میان ۱۲ ساخت تکرار کامل و ۳۰ ساخت تکرار ناقص هستند. در ساختهای تکرار ناقص، ۶ مورد پیش تکرار و ۲۴ مورد پس تکرار هستند. از حیث تغییر مقوله، در ۶ مورد مقوله پایه که صفت است پس از تکرار به اسم تبدیل شده‌اند، و در ۷ مورد به قید تبدیل شده‌اند. در داده‌های مورد بررسی موردی نبود که تکرار صفت را به فعل تبدیل کرده باشد. ۲۹ مورد از موارد مورد بررسی هم پس از تکرار تغییر مقوله نداده بودند.

از موارد بررسی شده ۹۳ مورد تکرار اسم بوده‌اند که بیشترین مورد تکرار هستند. از این موارد ۵۲ مورد تکرار کامل و ۴۱ مورد تکرار ناقص هستند. از این میان ۱۳ مورد پیش تکرار و ۲۸ مورد پس تکرار هستند. از حیث تغییر مقوله، در ۴۲ مورد مقوله پس از تکرار تغییر نکرده و همچنان اسم باقی مانده است. در ۲۱ مورد مقوله پایه به قید و در ۲۲ مورد هم به صفت تبدیل شده است و در هیچ موردی به فعل تبدیل نشده است.

با بررسی موارد فوق می‌توان نتیجه گرفت که تقریباً در نیمی از ساختهای تکرار تغییر مقوله صورت می‌پذیرد. در واقع در ۷۴ مورد از ۱۵۸ مورد مقوله تغییر کرده و در ۸۴ مورد تغییر نکرده است. ساخت حاصل از تکرار می‌تواند در چهار مقوله اسم، صفت، قید و فعل قرار گیرد. در جدول ۱ تعداد ساختهای تکرار در این چهار طبقه و تغییر مقوله در آنها مقایسه شده است.

جدول ۱. مقایسه تکرار در طبقات واژگانی فارسی

طبقه	تعداد کل	تغییر مقوله پایه	عدم تغییر مقوله پایه
اسم	۹۳	۴۱	۵۲
صفت	۴۲	۱۳	۲۹
فعل	۱۶	۱۳	۳
قید	۱۰	صفر	۱۰

در بخش بعد به تغییرات معنایی در هر کدام از مقولات بررسی شده خواهیم پرداخت و در نهایت الگوی تغییر معنایی را که حاصل تکرار در فارسی است به دست خواهیم داد.

۲-۲ معانی مختلف تکرار در فارسی

بر اساس دیدگاه موراوچیک (۱۹۷۸) معنای تکرار را در چهار طبقه افزایش کمیت، کاهش کمیت، افزایش شدت و کاهش شدت بررسی کرده‌ایم. این معنای در واقع تغییری است که تکرار در معنای پایه ایجاد می‌کند. هر چند در هر یک از طبقات معنایی فوق می‌توان زیرمجموعه‌های معنایی نیز مشاهده کرد، اما به وضوح می‌توان گفت معنای تکرار را در این چهار طبقه می‌توان مشاهده کرد. در این بخش ابتدا به تغییرات معنایی در تکرار چهار مقوله واژگانی مذکور می‌پردازیم، آن‌گاه معنای تکرار در فارسی را به صورت آماری نشان می‌دهیم.

معنای تکرار را در چهار طبقه قید، فعل، صفت و اسم در فارسی بررسی کرده و به نتایج زیر دست یافته‌ایم.

الف) در مورد معنای تکرار قید، در هر ده مورد، افزایش یا کاهش شدت به معنای پایه افزوده شده است. در شش مورد افزایش شدت و در چهار مورد کاهش شدت به معنای پایه افزوده شده است. در هیچ یک از این موارد افزایش یا کاهش کمیت به معنای پایه اضافه نشده است. در قیدی مانند تندتند، معنای افزایش شدت به پایه تند اضافه شده است ولی در ساخت یواش‌یواش، معنای کاهش شدت به پایه یواش اضافه شده است. به عبارتی تندتند از تند شدیدتر است اما یواش‌یواش از یواش آرامتر است.

ب) از میان موارد تکرار فعل، در ۴ مورد تکرار معنای افزایش کمیت را به پایه اضافه کرده است. مانند بزن/بزن بزن که در ساخت تکرار نوعی معنای افزایش کمیت وجود دارد. همچنین در ۳ مورد افزایش شدت به معنای فعل پایه افزوده شده است، مانند ساخت/ساخت و پاخت که در معنای ساخت تکرار نوعی افزایش درجه و شدت کار وجود دارد. یا مثلاً در نذید/نذیدیدید، معنای ساخت تکرار افزایش شدت معنای پایه است. در ۹ مورد بقیه معنای کاهش شدت به معنای پایه افزوده شده است. مثلاً در بفهمی/بفهمی، شدت معنای ساخت تکرار از شدت معنای ساخت پایه کمتر است. یا در ساخت زیبایی مانند رفت که رفت و مُرد که مُرد، معنای ساخت تکرار نوعی کم کردن تأثیر معنای فعل پایه است (رک. سادات تهرانی ۲۰۰۳). به این ترتیب در مورد معنای تکرار فعل سه معنای افزایش کمیت، افزایش شدت و کاهش شدت دیده می‌شود.

ج) در بررسی معنایی تکرار صفت می‌توان گفت در اکثر موارد تکرار باعث افزایش شدت معنای پایه شده است. از ۴۲ مورد تکرار صفت، در ۳۲ مورد این وضعیت دیده می‌شود. مثلاً در پاره/پاره پوره، ساخت تکرار باعث افزایش شدت در معنی پایه شده است. همین ویژگی را می‌توان در معنای ساختهایی مانند غلط/غلط غلوط، چرب/چرب و چیل، پیر/پیرپاتال، شیک/شیک و

پیک، و فراوان/فت و فراوان مشاهده کرد. از آنجا که صفت بیشتر به معنای درجه و شدت کیفیتی اشاره می‌کند، پس از تکرار نیز این ویژگی را در اکثر موارد، به ویژه مواردی که مقوله تغییر نمی‌کند، حفظ کرده است. از ده مورد باقی مانده در تکرار صفت، در ۵ مورد افزایش کمیت صورت گرفته است، که در اکثر این موارد مقوله صفت به اسم تبدیل شده است. مثلاً در گند/گندمند، مقوله پایه صفت و مقوله پس از تکرار اسم است و معنای افزایش کمیت را به پایه اضافه کرده است. در ۵ مورد هم معنای کاهش شدت به معنای پایه افزوده شده است. مثلاً در تنها/تنهاتنها، ساخت حاصله باعث کاهش شدت معنای پایه شده است.

د) در مورد تغییرات معنایی در مقوله تکرار اسم می‌توان گفت بیشترین تغییر معنایی به افزایش کمیت بر می‌گردد. در ۷۱ مورد از ۹۱ مورد بررسی شده معنای ساخت تکرار نسبت به معنای پایه افزایش کمیت پیدا کرده است، مانند راه/راه، راه، پهلو/پک و پهلو، دندان/دندانه/دندانه، گون/گوناگون، خاک/خاک و خل. در ۱۲ مورد تکرار اسم نیز معنای افزایش شدت به پایه اضافه شده است مانند شیر/شیرتوشیر، جیغ/جیغ جیغو. در ۶ مورد معنای کاهش شدت به معنای پایه افزوده شده است، مانند شوخی/شوخی شوخی، بازی/بازی‌بازی. در ۲ مورد هم معنای کاهش کمیت به پایه اضافه شده است، مثلاً باد/بادبادک.

جدول (۲) تنوع معانی تکرار در چهار مقوله واژگانی اسم، صفت، فعل و قید در فارسی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. معانی تکرار در فارسی

معنی/طبقه	اسم	صفت	فعل	قید	مجموع
افزایش کمیت	۷۱	۵	۴	-	۸۰
افزایش شدت	۱۲	۴۲	۳	۶	۶۳
کاهش کمیت	۲	-	-	-	۲
کاهش شدت	۶	۵	۹	۴	۲۴

۳ بحث و نتیجه‌گیری

همان طور که در بخش (۱) عنوان شد موراوچیک (۱۹۷۸: ۳۱۷) بر این نکته اذعان دارد که تکرار می‌تواند معانی متقابل ایجاد کند. این قاعده از جدول فوق قابل استنباط است، زیرا در فارسی هم تکرار می‌تواند معنای افزایش کمیت در مقابل کاهش آن، و افزایش شدت در مقابل کاهش آن را نشان دهد. همچنین موراوچیک (۱۹۷۸) و اوسپنسکی (۱۹۷۲) اظهار می‌دارند

که بیشترین معنای تکرار در زبانهای مختلف افزایش کمیت و شدت است. همان گونه که جدول فوق نشان می‌دهد در فارسی نیز از ۱۶۹ مورد تکرار بررسی شده، در ۱۴۳ مورد افزایش کمیت و شدت به معنای پایه اضافه شده و فقط در ۲۶ مورد کاهش شدت و کمیت مورد نظر بوده است. همچنین کاجیتانی (۲۰۰۵: ۹۴) بر اساس نظرات اوسپنسکی (۱۹۷۲) اظهار می‌کند که از حیث رده‌شناختی، افزایش کمیت بیشتر از افزایش شدت، و کاهش شدت بیشتر از کاهش کمیت در زبانهای مختلف دیده می‌شود. داده‌های فارسی نیز با این تعمیم رده‌شناختی مطابقت دارند، چون بسامد معنای افزایش کمیت بیشتر از افزایش شدت است و بسامد معنای کاهش شدت نیز بیشتر از کاهش کمیت است. بر اساس دو قاعده در کاجیتانی (۲۰۰۵: ۱۰۱ و ۱۰۲) اگر در زبانی کاهش کمیت را بتوان با تکرار نشان داد، افزایش کمیت را نیز می‌توان نشان داد و اگر کاهش شدت را بتوان با تکرار نشان داد، افزایش شدت را نیز می‌توان با تکرار نشان داد. داده‌های فارسی این دو قاعده را تأیید می‌کند. کاجیتانی (۲۰۰۵: ۱۰۲) سلسله مراتب معنایی برای تکرار در بیش از هشتاد درصد زبانهای دنیا را به صورت افزایش کمیت ← افزایش شدت ← کاهش شدت ← کاهش کمیت ارائه می‌کند. داده‌های فارسی نیز این سلسله مراتب را تأیید می‌کند. در واقع وقتی تکرار افزایش کمیت و افزایش شدت را به معنای پایه اضافه می‌کند، مطابق با اصل تصویرگونگی در زبان رفتار می‌کند که صورت طولانی‌تر معنای بیشتر را افاده می‌کند. در بیشتر موارد تکرار در فارسی نیز مطابق با اصل تصویرگونگی است.

کتابنامه

- ذاکری، غلامحسین، ۱۳۸۱. اتباع و مهملات در زبان فارسی. تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- شقایق، ویدا، ۱۳۷۹. «فرایند تکرار در زبان فارسی»، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس زبانشناسی نظری و کاربردی، ج ۱، به کوشش دکتر سید علی میرعمادی، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۵۱۹-۵۳۴.
- طباطبایی، علاءالدین، ۱۳۸۴. «اتباع»، در دانشنامه زبان و ادب فارسی، ج ۱، به سرپرستی اسماعیل سعادت، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۲۰۳-۲۰۵.

Ghaniabadi, Saeed, 2005. "M/p-echo Reduplication in Colloquial Perisan: An OT Analysis", MS, University of Manitoba.

Ghomeshi, Jila, Ray Jackendoff, Nicole Rosen & Kevin Russell, 2004. "Contrastive Focus Reduplication in English (The salad-salad paper)", *Natural Language and Linguistic Theory* 22: 307-357.

- Grohmann, Kleanthes K. & Andrew I. Nevins, 2004. "On the Syntactic Expression of Pejorative Mood", *Linguistic Variation Yearbook* 4/1: 143-179.
- Haspelmath, Martin, 2002. *Understanding morphology*. London, Arnold.
- Inkelas, Sharon, 2005. "Morphological Doubling Theory I: Evidence for Morphological Doubling in Reduplication", in *Studies in Reduplication*. Bernhard Hurch (ed.), Mouton de Gruyter, Berlin, pp. 63-88.
- Kajitani, Motomi, 2005. "Semantic Properties of Reduplication Among the World's Languages", *LSO Working Papers in Linguistics 5: Proceedings of WIGL*, pp. 93-106.
- Lidz, Jeffrey, 2001. "Echo Reduplication in Kannada and the Theory of Word Formation", *The Linguistic Review* 18: 375-394.
- Moravcsik, Edith, 1978. "Reduplicative Constructions", in Joseph H. Greenberg (ed.), *Universals of Human Language. Vol. 3: Word Structure*. Stanford University Press, Stanford, pp. 297-334.
- Regier, Terry, 1994. "A Preliminary Study of the Semantics of Reduplication", *Technical Report TR-94-019*. International Computer Science Institute, Berkeley, California.
- Regier, Terry, 1998. "Reduplication and the Arbitrariness of the Sign", in *Proceedings of the Twentieth Annual Conference of the Cognitive Science Society*. M. Gernsbacher and S. Derry (eds.), Lawrence Erlbaum Associates, Mahway, NJ, pp. 887-892.
- Sadat-Tehrani, Nima, 2003. "The 'Indifference-ke Construction' in Modern Conversational Persian", *Linguistica Atlantica* 24: 43-70.
- Uspensky, B. A., 1972. "Subsystems in Language, their Interrelations and their Correlated Universals", *Linguistics: An Introductory Review* 88: 53-71.